

در و دیوار

بنگر ای بابا که پرپر لاله و ریحانه شد

قتلگامم بین دیوار و در این خانه شد

أنا الزهرا (س)...

بنگر ای بابا که دست جانشینت بسته شد

بین این دیوار و در پهلوی من بشکسته شد

أنا الزهرا (س)...

بنگر ای بابا چه خوش حق رسالت شد ادا

بر زمین افتاده‌ام در پیش چشم بچه‌ها

أنا الزهرا (س)...

بنگر ای بابا دل ذریه خود را حزین

اولین مظلوم این عالم شده خانه‌نشین

أنا الزهرا (س)...

بنگر ای بابا که اهل بیت تو غمدیده‌اند

آتش افروزان به اشک دخترت خندیده‌اند

أنا الزهرا (س)...

شهادت

روز آه و روز ناله روز اشک غربت است
روز عاشورای زهرا(س) خمیده قامت است

انالمظلوم...

لاله من از جفا و کینه پرپر گشته است

با قد خم گشته مهمان پیمبر گشته است

انالمظلوم...

همچو گل افسرده‌ام من در فراق آفتاب

سقف بیت آرزوها بر سر ما شد خراب

انالمظلوم...

کس در این عالم چو من، مظلوم بی‌یاور ندید

اشک مظلومی من بر صورت یارم چکید

انالمظلوم...

حامی نیلی جمالم ای به عالم نورعین

بی‌تو من می‌مانم، آه حَسَن، اشک حسین

انالمظلوم...

کوچه

غصه‌های کلّ عالم در دل من جا گرفت

نانجیبی بین کوچه راه مادر را گرفت

انا المظلوم...

چون جسارت کرد بین کوچه خصم بوتراب

عالم امکان ز غم شد بر سرم آنجا خراب

انا المظلوم...

چونکه بین کوچه بالا رفت دست آن لعین

ناگهان دیدم که گشته مادرم نقش زمین

انا المظلوم...

من خودم دیدم که غم بر لوح جان حاکی شده

مادرم روی زمین و چادرش حاکی شده

انا المظلوم...

من خودم دیدم به آه و ناله و چشم ترم

زد عدوی بی‌حیا سیلی به روی مادرم

انا المظلوم...

شام غریبان

بی‌نوا شد بلبل و هم بی‌صفا گشته چمن

تسلیت یا حجة بن العسگری بین الحسن

ابا صالح ...

اهلبیت مصطفی در شیون و در زمزمه است

شام غمهای علی یا شام دفن فاطمه(س) است

گل حیدر ...

در شب شام غریبان شهر یثرب غم‌سراست

مرتضی مشغول غسلِ حضرت خیرالنساء(س)

علی جانم...

خود تو می‌دانی گناه یار تنه‌ایم چه بود

بنگر ای آسما شده بازوی زهرایم(س) کی بود

غریب من ...

از من دلخسته می‌کرد او ز جان دفع خطر

بر غلاف و تازیانه دستِ یارم شد سپر

انا المظلوم...

بستر

بین بستر مادر مظلومه ام افتاده است
گوئیا بهر سفر از این جهان آماده است

مرو مادر...

دست خود را گه به بازو گه به پهلو می‌زند
شمع عمر مادرم از درد، سوسو می‌زند

مرو مادر...

پهلویش بشکسته شد در پشت آن در مادرم
نافله خواند نشست به بین بستر مادرم

مرو مادر...

شدت دردش فراوان است یار مرتضی
در قنوت خود به یک دستش بگوید رَنا

مرو مادر...

نالۀ مادر زند بر قلب ما هر دم شَرَر
ذکر او عَجَل وفاتی گشته از سوز جگر

مرو مادر...

بعد از شهادت

هر شب از درد فراق می‌نمایم زمزمه
رفتی و من ماندم و یک خانۀ بی‌فاطمه (س)

غریبم من ...

رفتی ای آرام جانم رفتی ای دلدار من
خیز و بنگر ای بهار من به حال زار من

غریبم من ...

خیز و بنگر بر حَسَن آن زینت دامن تو
زانوی غم در بغل بگرفته از هجران تو

غریبم من ...

دیده‌اش را از غمت گریان نماید این پسر
غصه‌اش را از پدر پنهان نماید این پسر

غریبم من ...

خاطرات ضرب سیلی قاتل جاننش شده
هر شب از داغ تو چون شام غریباننش شده

غریبم من ...

بیت الاحزان

بیت الاحزان مرا کرد از جفا دشمن خراب
گریه می‌کردم در آن، از بی‌کسی بوتراب

أنا الزهرا (س)...

عالمی از آب روی من بگیرد آبرو
اشکی من باشد سلاحم در نبرد با عدو

أنا الزهرا (س)...

با دل غمدیده بهر ناله غمپروری
تا اُحد می‌رفتم از یثرب پی افشاگری

أنا الزهرا (س)...

کز سرِ غربت ببین ما کعبه غمها شدیم
ای عموجان بعدِ بابا ما دگر تنها شدیم

أنا الزهرا (س)...

پهلویم را پشت در بشکسته خصم بی‌حیا
دست وَجَهُ الله بسته شد میان کوجه‌ها

أنا الزهرا (س)...

حضرت عباس علیه السلام

ای امیدم ای به گلزار ولایت یاس من
رفتی و پشتم شکسته از غمت عباس من

ابوفاضل...

در کنار علقمه دستت جدا شد از تنت
رنگ آلاله گرفت عمامه و پیراهنت

ابوفاضل...

تشته لب جان داده‌ای ای ساقی آب آورم
از حرم بشنو صدای ناله‌های اصغرم

ابوفاضل...

تیر ظلم کوفیان چشم تو بسته یا آخا
خیز و بنگر مادرم اینجا نشسته یا آخا

ابوفاضل...

خیز و بنگر ای که رفتی بین خاک و خون به خواب
از لب عطشان اصغر ناله‌ها دارد رباب

ابوفاضل...

بلال حبشی

ای اذان‌گوی پیمبر رو به سوی مأذنه

ای اذانت تا قیامت آبروی مأذنه

أنا الزهرا (س)...

تو ز کفّار لعین بس طعنه‌ها بشنیده‌ای

در ره اسلام و قرآن بس مصیبت دیده‌ای

أنا الزهرا (س)...

در غبار فتنه که بر دین اهانت می‌شود

این اذانت بانگ تبلیغ ولایت می‌شود

أنا الزهرا (س)...

در اذانت گو که دست شاه مردان بسته شد

پشت در پهلوی دختِ مصطفی بشکسته شد

أنا الزهرا (س)...

در اذانت کن تو اعلام ای مؤذن بر همه

که بُود خیرالعمل، بِرُّ العلیّ و فاطمه(س)

أنا الزهرا (س)...

حضرت امّ البنین سلام الله علیها

خادمه هستم به بیتِ اهل‌بیت مصطفی

مادر عبّاسم و دلدادۀ خونِ خدا

حسین من...

من حسینی هستم و یار امیرالمؤمنین

فاطمه(س) نام من است و کنیه‌ام امّ البنین

حسین من...

ای حسین جان ای گل گلزار زهرا(س) بتول

از برای نوکری عبّاس من را کن قبول

حسین من...

کن قبولش تا شود در راه عشق تو شهید

تا که من فردا شوم در پیش زهرا(س) روسپید

حسین من...

ای عزیز فاطمه(س) ای سر جدای کربلا

آرزو دارم شود عبّاس در راهت فدا

حسین من...

شب شهادت

ای مرا مولا، رهبر ای مرا نور بصر
آخرین شب باشد از عمر من خونین جگر

خدا حافظ...

درد غربت باشد از روی کبودم منجلی
می شوم مهمان بابا کن حلالم یا علی!

خدا حافظ...

می روم از پیش تو با قامت خم یا علی!
ای کینی یا سیدی، مظلوم عالم یا علی!

خدا حافظ...

شب مرا غسل و کفن کن ای غریب عالمین
بعد من یا بوالحسن جان تو و جان حسین!

خدا حافظ...

می روم زینجا ولی دارم به قلبم سوز و آه
وعدۀ ما عصر عاشورا کنار قتلگاه

خدا حافظ...

زمزمه (برادر اسماعیل شبرنگ)

اگه ، پر بگیری منم می میرم // زانوی غم بغل می گیرم // مصیبت
تو کرده پیرم

نرو، بیا جدا نشو ز حیدر // تو رو قسم به آه دختر // چون حسین
شهید بی سر

وقتی که تو با ناله گفتی / شدی از این زمونه خسته / تا گفتی
حرف رفتنت رو / دلم شکست پهلو شکسته

* * *

چرا ، شمع خوتَم می زنی سوسو // چرا می گیری دست به
پهلو؟ // چرا تو از من می گیری رو؟

نرو، فقط تویی صبر و قرارم // به جز تو من کسی ندارم // بیشتر
بمون زهرا کنارم

همه منو تنها گذاشتن / تو هم می خوای پیشم نمونی / برای رفتن
خیلی زوده / راه نداره بیشتر بمونی

* * *

شدی، ای یاس من مثل شقایق // خسته شدم از این دقایق // اگه
بری من می کنم دق

وای، من بمیرم رنگت پریده // پای علی شدی شهیده // ای یاور
قامت خمیده

حالا اهالی مدینه / جواب سلاممو نمیدن / از من تو رو گرفتن آخر / به
آرزوهاشون رسیدن

زمزمه (برادر امیر عباسی)

به سبک اینفده رو سیاهم و...

*گشته شده در راه دین دخت پیمبر

دلها بسوزد از غم زهرای اطهر(س)

کتاب عشق مرتضی که بسته شد

از اهل فتنه زمان دلخسته شد

پهلوی او در پشت در بشکسته شد

یا فاطمه(س) یا فاطمه(س) یا فاطمه(س)...

*ای در جوانی همچو پیران قد خمیده

ای در هجوم فتنه ها گشته شهیده

ای پیرو راه ولی یا فاطمه(س)

نور حق از تو منجلی یا فاطمه(س)

شهیده راه علی یا فاطمه(س)

یا فاطمه(س) یا فاطمه(س) یا فاطمه(س)...

*زینب کنار بستر مادر نشیند

احوال آن بانوی دلخون را ببیند

ای که شدی بهر پدر یار و یاور

این غم به دل هرگز نمی آید باور

دستت چرا بالا نمی آید مادر

یا فاطمه(س) یا فاطمه(س) یا فاطمه(س)...

*یاس سپید روی تو گردیده نیلی

خوردی تو در کوچه ز دست کینه سیلی

نقش زمین گردیده ای در کوچه ها

ای تازیانه خورده از دست جفا

من وارث تو میشوم در کربلا

یا فاطمه(س) یا فاطمه(س) یا فاطمه(س)...

*گفتی ز من بوسه گلوی نور عینت

هنگام میدان رفتن مظلوم حسینت

همانکه یاد او کنی با چشم تر

همانکه قاتلش شود شمر کافر

همانکه سر جدا شود از پشت سر

مظلوم حسین مظلوم حسین مظلوم حسین...

زمزمه (برادر امیر عباسی)

*آه دلربای علی آشنای علی جانفدای علی

فاطمه(س) فاطمه(س)

در راه اسلام قَدّت خمیده با روی نیلی گشتی شهیده

ای تو را یا علی ذکر شام و سحر

محسنت کشته شد بین دیوار و در

سَرور عالم همه...فاطمه(س) یا فاطمه(س)

*آه ای بهار علی غمگسار علی ذولفقار علی

فاطمه(س) یا فاطمه(س)

آه و واویلا از دل حیدر لرزش دستت قاتل حیدر

تمام نافله هایت نشسته بود

چون پهلویت از ضرب کین شکسته بود

نوحه عالم همه... فاطمه(س) یا فاطمه(س)

*آه عصمت کبریا انسیة الحورا صدّیقه کبری

فاطمه(س) یا فاطمه(س)

کرده دشمن فاش و بی بهانه بر تو جسارت با تازیانه

ای داغت سوز آه رسول خدا

ای دستت بوسه گاه رسول خدا

ای به لبها زمزمه...فاطمه(س) یا فاطمه(س)

* ای بانوی عالمین یا امّ الحَسَنین غصه دار حسین

فاطمه(س) یا فاطمه(س)

زین بیان باشد نطق فلک لال رَوی زیارت روزی به گودال

دلبرت را بینی پاره پاره بدن

بی سر و بی انگشت و بی غسل و کفن

اشکت جاری از دوعین بر غریبی حسین

یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین(۲ بار)

سَرور بی سر حسین غریب مادر حسین....

